

یادداشت

تدوین‌گر: دکتر علیرضا گرشاسبی
استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
(www.garshasbi.ir)

سریال PDN: ۱۴۴۸۹۲

تاریخ: ۱۳۹۳/۴/۱

سیاست‌های تجاری و ارزی و رکود صنعتی

سیاست‌های تجاری و ارزی و رکود صنعتی

رکود بخش صنعت و صنایع کارخانه‌ای در اقتصاد ایران در پایان سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را می‌توان محدودیت اصلی اقتصاد ایران در بخش حقیقی در وضعیت کنونی دانست. این محدودیت تحت تاثیر عوامل سمت عرضه و تقاضا به وجود آمده است. البته رکود صنعتی در این دو سال پدیده‌ای تازه نیست و تجربه‌ای است که اقتصاد ایران فراوان در اختیار دارد. فقدان سیاست‌های تجاری و ارزی مناسب در سال‌های گذشته را می‌توان یکی از علل مهم در رکود صنعتی در ایران دانست؛ چراکه تولید به‌ویژه تولیدهای کارخانه‌ای در ایران به واردات وابسته است. لذا این وابستگی بخش حقیقی به واردات، که سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از آن به بیش از ۸۵ درصد می‌رسد، هم سیاست‌های تجاری و هم سیاست‌های ارزی را به صحنه تاثیرگذاری بخش حقیقی کشور می‌کند. در حال حاضر، اغلب قریب به اتفاق تحلیل‌گران موافقند که سیاست‌های ارزی و نرخ ارز در اقتصاد ایران به درآمدهای دولت ارتباط دارد. دولت بخش عمده‌ای از بازار ارز ایران را در اختیار دارد و از این رو درآمدهای ارزی دولت نقش تعیین‌کننده در سیاست‌های ارزی و نرخ ارز دارد. با افزایش درآمدهای ارزی دولت در سال‌های منتهی به اجرای مرحله اول قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، میزان واردات در کشور افزایش یافت؛ به‌نحویکه ارزش واردات در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به ترتیب معادل ۵۵/۲ و ۶۴ میلیارد دلار رسید. سهم بالای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نشان می‌دهد، در این دوره جایگاه تولید ملی در تامین عرضه با افزایش واردات تضعیف شده است. به‌عبارت دیگر با وفور درآمدهای نفتی و امکان سرمایه‌گذاری برای بهبود تولید داخلی این فرصت برای چندمین بار از دست رفته است. در این دوره، عملکرد واردات به‌مراتب بیشتر از اهدافی بود که در قوانین بالادستی مشخص بود.

در دوره تشدید تحریم‌ها و پس از اجرای مرحله اول قانون هدفمندی که با طرح بزرگ مسکن مهر همراه بود، همزمان با کاهش بازدهی تولید و افزایش هزینه‌های آن، کاهش تامین منابع مالی برای بخش تولید به وجود آمد. کاهش شدید واردات سبب شد تا کارخانه‌ها با ظرفیت‌های پایین به تولید خود ادامه دهند و این امر خود در شکل‌گیری و تشدید رکود

صنعتی مؤثر بوده است. از طرفی، با افزایش نرخ ارز و کاهش واردات و کمبود مواد اولیه و نیز نیاز به سرمایه در گردش ریالی بیشتر، با توجه به افزایش نرخ ارز، عرضه با کاهش روبرو شده است. این‌گونه به نظر می‌رسد که در بلندمدت محدودیت‌های طرف تقاضا سهم بیشتری در شکل‌گیری رکود صنعتی در اقتصاد ایران دارد.

علاوه بر موارد اشاره شده، اتکای فروش صنعت به بازارهای داخلی است. عملکردها نشان می‌دهد متوسط این سهم حدود ۹۰ درصد است. بنابراین صادرات سهم کمی از کل فروش را در اختیار دارد. ضمن آنکه تورم، مشکل مزمن اقتصاد ایران در طول ۳۵ سال اخیر، با کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان سهم بازارهای فروش داخلی را با محدودیت‌های فراوان روبرو کرده است و محدودیت تقاضا برای تولیدهای بخش صنعت یکی از مجاری بسیار مهم در فشار نقدینگی بنگاه‌های صنعتی بوده است. لذا، توسعه صادرات غیرنفتی، هم از منظر کاهش تمرکز صادراتی و هم از منظر افزایش ارزش صادرات، یکی از رویکردهای اصلی در خروج از رکود صنعتی بخش صنعت است. تنها به‌عنوان یک اشاره کوتاه باید تاکید کنم که تولید صادراتی، بهبود رقابت‌پذیری داخلی و خارجی را می‌طلبد که خود را در کیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر نشان می‌دهد. آمار دو ماهه گمرک نشان از افزایش ۲۹/۱۸ درصدی در صادرات کشور دارد که البته بخش عمده آن به دلیل جهش صادرات میعانات گازی بوده است. صادرات سایر کالاها حتی با کاهش هم روبرو بوده است. چین و عراق دو کشور نخست عمده در صادرات ایرانند. ناآرامی‌های اخیر در کشورهای عراق می‌تواند بر جریان صادرات به این کشور آثار سوئی داشته باشد. این امر خود ضرورت تغییر تنوع‌پذیری صادراتی هم از لحاظ کالایی و هم از لحاظ کشوری را افزایش می‌دهد. افزایش صادرات در حالی است که در دو ماه نخست سال جاری و پس از اجرای مرحله دوم از قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و ثبات نسبی بازار ارز و بهبود درآمدهای ارزی دولت، واردات کالا به کشور با رشد ۳۴/۷ روبرو شده است و گویا دوباره شاهد چرخه تکراری افزایش واردات خواهیم بود.

در مجموع، مدیریت سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی، اصلاح سیاست‌های تجاری و ارزی لازمه خروج از رکود هم در کوتاه-مدت و هم در بلندمدت خواهند بود.

تایید کننده: دکتر علیرضا گرشاسبی <input type="checkbox"/>	تایید مدیر ذیربط:	تایید حوزه ریاست:	تایید رییس موسسه:
--	-------------------	----------------------	-------------------